

نامه‌های رسیده

بنام خدا

با عرض سلام خدمت شما مسئولان زحمت‌کش سازمان
بعد از عرض خسته‌نباشید و تشکر از زحمات شبانه‌روزی شما بدون هیچ رودربایستی (البته با
اجازه شما) می‌روم سر اصل مطلب.

من یکی از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان علامه حلی تهران هستم. همانطور که می‌دانید هر ساله
حداقل یک نمایشگاه در این مرکز برگزار می‌شود و همانطور که انتظار می‌رود تعدادی دانش‌آموز از
مراکز سازمان از جمله مرکز فرزنانگان تهران به مرکز ما می‌آیند و از فعالیت‌ها و برنامه‌های این مرکز
آگاه می‌شوند. تا اینجا هیچگونه اشکالی وارد نیست. ولی سؤال من از شما این است که مگر قرار
نیست که تمامی دانش‌آموزان سمپاد با یکدیگر رقابتی منطقی و آگاهانه (ولی نه از روی حسادت)
داشته باشند؟ پس چرا تا آنجا که من می‌دانم از مرکز ما هیچ گروهی یا دانش‌آموزی برای بازدید از
نمایشگاهها و فعالیتهای دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان فرستاده نشده‌اند؟ این سؤال دو جواب بیشتر
نمی‌تواند داشته باشد:

اول اینکه، در آنجا هیچ نمایشگاهی برگزار نمی‌شود. که جوابی اشتباه است چونکه تا آنجا که من
می‌دانم هر ساله در مرکز فرزنانگان نمایشگاه بزرگی برپا می‌شود.
دوم آنکه، در آنجا هم مانند مرکز ما فعالیت‌های فراوانی وجود دارد و یا حداقل نمایشگاهی

برگزار می‌شود (که البته هم هست) ولی ما اجازه بازدید از آنجا را نداریم. که این عمل خود تبعیضی است بین ما و آنها. چونکه آنها آگاهی کامل از اینجا دارند ولی ما بدون هیچگونه اطلاعاتی باید با آنها رقابت کنیم.

امیدوارم که چاپ کردن یا چاپ نکردن این نامه تأثیری در جواب دادن شما نگذارد و لطفاً اگر آن را چاپ می‌کنید سانسور نکنید. خواهشمندم امید من و چند دانش آموز دیگر را که منتظر جواب شما هستیم با جواب ندادن ناامید نکنید.

با تشکر و سپاس فراوان از زحمات شما

م.م.ش

استعدادهای درخشان: دوست عزیز ما نامه‌های شما را سانسور نمی‌کنیم. جز در مواردیکه تعرضی حیثیتی به شخصی در آن مشاهده شود. اما بازدید از نمایشگاههای مراکز براساس برنامه تنظیم شده با هماهنگی مدیران از نظر سازمان مانعی ندارد. در ضمن شما هم چقدر زود ناامید می‌شوید. اینطور که پیش می‌رود زود پیر می‌شوید!

بسمه تعالی

خدمت مسؤلین و دست‌اندرکاران سازمان سلام عرض می‌نمایم. امسال هم چشم ما به یکی دیگر از کارهای زیبا و ابتکاری و ارزشمند سازمان، یعنی چاپ و نشر تقویم دانش آموزی روشن شد. در این رابطه:

□ قطع و اندازه خوبست.

□ کاریکاتورهای آرم سازمان فوق‌العاده جذاب و جالب است.

□ انتخاب برخی نشانه‌ها برای مناسبتهای خاص خوبست.

اما بهتر است:

□ بجای رنگ خاکستری، رنگ‌هایی چون سبز، آبی و یاختی هیچی یعنی همان سفید

استفاده شود.

□ روزهای تعطیلی واضح‌تر و مشخص‌تر باشد.

□ شطرنجی بودن بخشی از صفحات از میزان کاربری آن کاسته .

□ بین ماهها هیچ فاصله‌ای نیست.
□ در جدول "۷۶ در یک نگاه" بدون مشخص بودن تعطیلات، استفاده‌ای وجود ندارد.
□ جای خالی یک نکته، یک رهنمود، یک سخن ارزشمند در تقویم بشدت احساس می‌شود.
حسن ابتکار و سلیقه شما در تقویم‌های کارتی هم قابل توجه است.
دست شما درد نکند، خدانگهدار
از فرزندگان - همدان

استعدادهای درخشان: امید است عزیزان تهیه‌کننده تقویم سال آینده، تقویم جذابتری را تهیه کنند.
در ضمن "رهنمودهای ارزشمند" در تقویم وجود داشت.

بسمه تعالی

مدیر مسئول محترم فصلنامه استعداد‌های درخشان

دانشمند گرانمایه جناب آقای دکتر اژه‌ای

با عرض سلام و آرزوی توفیقات روزافزون برای جنابعالی و همکاران فاضل و پرتلاشتان در سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان و تحریریه فصلنامه، این جانب در سال تحصیلی جاری به دلیل ورود فرزندم به مرکز راهنمایی علامه حلی تهران، افتخار آشنایی با سازمان شما را پیدا کردم و در همان نخستین روزهای ثبت نام فرزندم، به لطف مدیر جوان اما سرشار از عشق و ایثار این مرکز آموزشی با فصلنامه خوب و پر بار شما آشنا شدم. از آن روز تا کنون به جرگه خوانندگان پر و پا قرص فصلنامه شما پیوسته‌ام و می‌توانم ادعا کنم که به قول معروف از سیر تا پیاز مطالب هر شماره فصلنامه را می‌خوانم و هر بار شکر بیشتری به خاطر ورود فرزندم به این مجموعه بزرگ آموزشی به درگاه خداوند به جا می‌آورم، اما همه شکرگزاریها تنها به خاطر فرزندم نیست و به همه فرزندان می‌اندیشم که با عبور از این معبر بزرگ خود را برای تسخیر عرصه‌های علم و فضیلت آماده می‌سازند.
جسارتاً به عرضتان می‌رسانم که دیگران بنده را بعنوان فردی اهل قلم و عریضه‌نویس می‌شناسند و علاوه بر آن دستی هم در کار تدریس و ترجمه زبان انگلیسی دارم. با چنین پیش‌زمینه‌ای بعد از مطالعه چند شماره فصلنامه، تحت تأثیر حس کنجکاوی حرفه‌ای و احساس تکلیف وجدانی و اجتماعی، بر آن شدم تا با تقدیم این عریضه چند سؤال و پیشنهاد و نظریه را که ملغمه‌ای از موضوعات گوناگون

است با شما شخصیت عالم و فاضل و خدمتگزار در میان‌گذارم به آن امید که پاسخ سئوالهای خود را آن‌گونه که در خور فهم و درک فردی عادی و عامی چون من باشد در شماره‌های آتی فصلنامه بخوانم و بهره لازم را کسب کنم. بنابراین به منظور پرهیز از اطاله بیشتر کلام، نکات موردنظر را فهرست‌وار به شرحی که خواهد آمد به عرض می‌رسانم:

۱- با آن که شما نام مجله روی فصلنامه خود گذاشته‌اید، اما این فصلنامه از بسیاری جهات از جمله نحوه صفحه‌بندی، قطع و اندازه و نداشتن عکس و عناصر تصویری بیشتر به کتاب شباهت دارد. به خصوص جای کارهای گرافیکی متناسب و عکس افراد و شخصیت‌ها و مکانهایی که نامی از آنها در فصلنامه برده می‌شود، در صفحات فصلنامه خالی است. حتی از فرزندان افتخار آفرین مراکز آموزشی استعداد‌های درخشان که به کسب درجات والای علمی مفتخر شده‌اند و طرف مصاحبه و گفت و گو قرار گرفته‌اند، عکسی در فصلنامه به چاپ نمی‌رسد. در حالی که به طور طبیعی و غریزی بسیاری از خوانندگان فصلنامه شما مشتاقند که از راه عکس و تصویر هم با این نخبگان علم و فضیلت ارتباط ذهنی برقرار کنند. خود جنابعالی نیک می‌دانید که امروزه تصویر چه تأثیر شگرفی در پیام‌رسانی و امر برقراری ارتباط با مخاطبان دارد و هر پیام و مطلبی که با چاشنی تصویر همراه باشد تأثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد و به تحقق اهداف پیام‌رسان کمک شایانی می‌کند. در این صورت چرا به مقوله عکس و تصویر در فصلنامه ارزشمند شما توجهی نمی‌شود؟ آیا این امر ناشی از مشکلات مالی است یا به خواست و سلیقه و نگرش دست‌اندرکاران محترم نشریه به امر انتشار و پیام‌رسانی ارتباط دارد؟ البته درباره صفحه‌آرایی و حروفچینی و انتخاب تیتراها و سوتیتراها و میان تیتراهای مطالب فصلنامه گفتنی بسیار است که اگر خداوند توفیق دهد در مکاتبات آتی به عرض خواهم رساند. ولی به طور کلی می‌توانم بگویم که فصلنامه خوب و پر بار شما به مقداری چاشنی "ژورنالیسم" متناسب با روانشناختی امروزی مخاطبان نیاز قطعی دارد.

۲- با توجه به ضرورت وجود ارتباط نزدیک و مستمر میان سازمان و جامعه مخاطبان خاص و عام شما (مربیان مراکز، دانش‌آموزان، اولیاء، مسئولان اجرایی کشور و ...) چرا فصلنامه را به ماهنامه تبدیل نمی‌کنید؟ آیا در این مورد هم پای ملاحظات مالی و محدودیت امکانات در میان است؟ در این صورت می‌توانید از دریای امکانات بالقوه‌ای که در جمع اولیاء دانش‌آموزان مراکز شما وجود دارد استفاده کرده و بهای حق اشتراک سالانه را متناسب با نیازها افزایش دهید. حتی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی می‌توانید با اخذ مجوز لازم اقدام به چاپ آگهی‌های بازرگانی در ماهنامه کنید. البته

آگهی‌هایی که به امور فرهنگی و آموزشی مربوط می‌شود و در شأن نشریه شماست.

۳- سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان به رغم جایگاه علمی و آموزشی والایی که دارد برای بسیاری از قشرهای اجتماعی حتی قشرهای فرهیخته و تحصیل کرده، سازمانی ناشناخته است و تا کسی از طریق فرزندش گذارش به این سازمان نیفتد نمی‌داند چنین سازمان مهم و آینده‌سازی در عرصه آموزش و پرورش کشور ما وجود دارد. اثبات این واقعیت از طریق یک نظرسنجی اتفاقی (Random) امکان‌پذیر خواهد بود، حال آن‌که به نظر نگارنده به دلایل عدیده این سازمان و اهداف و رسالت آن باید شهره خاص و عام باشد. تصور بنده این است که خود مسئولان محترم این سازمان به دلایلی نخواست‌اند در راه شناساندن آن به افکار عمومی جامعه اقدام کنند. اگر چنین است در صورت امکان دلایل این انزوایی را بیان بفرمایید، با پذیرش این واقعیت که در دنیای امروز گره بسیاری از مشکلات و کم و کاستی‌های سازمانها و تشکلهای از طریق برقراری ارتباط سازنده با جامعه و ایجاد شناخت عمومی نسبت به آنها گشوده می‌شود که مشکلات سازمان تحت مدیریت جنابعالی هم از این قاعده کلی مستثنی نیست.

۴- جسارتاً می‌پرسم چرا در فصلنامه خود که ان شاء... به ماهنامه تبدیل خواهد شد، جایی را به معرفی و تقدیر از چهره‌های خدمتگزار و موفق مراکز آموزشی خود اختصاص نمی‌دهید؟ مسلماً جنابعالی بیش از هر کس به نص صریح من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق اعتقاد دارید و از تأثیرات شگرف تشویق و تقدیر بر تقویت روحیه و ارتقاء عملکرد افراد آگاهید. در این صورت بنده پیشنهاد می‌کنم بخش معرفی و قدردانی از چهره‌های خدمتگزار را در دستور کار نشریه خود قرار دهید.

۵- جنابعالی نیک می‌دانید که فضاهای آموزشی چه از نظر نوع ساختمان و میزان تجهیزات و امکانات و چه از نظر موقعیت محلی تأثیرات انکارناپذیری بر روحیه مربیان و دانش‌آموزان دارد. بنده دانش‌آموزان مراکز آموزشی استعداد‌های درخشان را تافته‌های جدا بافته از سایر دانش‌آموزان این مرز و بوم نمی‌دانم. اما در عین حال معتقدم به خاطر قدرت درک و موهبت استعداد سرشارتری که خداوند به این فرزندان عنایت فرموده، آنها سرمایه‌های ملی محسوب می‌شوند و به همین سبب مانند استعداد‌های درخشان کشورهای پیشرفته جهان، این حق طبیعی آنهاست که در بهترین فضاهای آموزشی به کسب علم و فضیلت پردازند، خصوصاً آن‌که اکثریت آنها به خانواده‌های قشر متوسط و پایین جامعه تعلق دارند.

بنده از کم و کیف فضاهای آموزشی مراکز سازمان در دیگر نقاط کشور اطلاعی ندارم، اما نتیجه

مشاهدات و بررسی‌های بنده از دو مرکز آموزش راهنمایی تحصیلی و دبیرستان علامه حلی در میدان حسن آباد و خیابان غفاری می‌گوید به دلایل بسیار این دو مرکز باید به مناطق مناسب‌تری از شهر تهران منتقل شود. بدیهی‌ترین دلیل این است که این دو مرکز آموزشی از نظر زیست محیطی در پرازدحام‌ترین و آلوده‌ترین مناطق تهران قرار دارند که تصدیق می‌فرمایید خود این دو عامل مخرب چه تأثیرات سوئی بر روحیه، سلامت و عملکرد مدرسین محترم و دانش‌آموزان دو مرکز می‌گذارد. درباره تلاشهایی که جنابعالی برای رفع این معضل بزرگ به خرج داده‌اید کم و بیش مطالبی شنیده‌ام، اما به خاطر اهمیت حیاتی مسأله می‌خواهم به عنوان یک ولی و یک شهروند علاقه‌مند به آینده ایران اسلامی از حضورتان استدعا کنم این مجاهدتها را تا حصول نتیجه نهایی ادامه دهید و توصیه می‌کنم برای تحقق این هدف مقدس، مطبوعات و دیگر رسانه‌ها و مجامع عمومی را هم به همکاری فرا خوانید که بی‌تردید در این راه خداوند یار و مددکار شما خواهد بود.

جناب آقای دکتر اژه‌ای

به خاطر اطلاع کلام از شما پوزش می‌طلبم و با وجودی که هنوز پرسش‌های زیادی در ذهن این حقیر باقی است به پاس احترام به اوقات ضیق و گرانقدر جنابعالی طرح سایر مسایل را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و رفع زحمت می‌کنم.

در خاتمه یادآور می‌شوم چون قصدم از نگارش این عریضه خودنمایی و شهرت طلبی نبود به درج حروف اول نام و نام خانوادگی خود در انتهای عریضه اکتفا کرده در پایان مزید توفیق جنابعالی را در تداوم خدمات ارزنده فرهنگی از درگاه خداوند سبحان مسئلت دارم.

و من الله التوفیق

با صمیمانه‌ترین آرزوهای قلبی

غ - ک تهران

استعدادهای درخشان: ضمن تشکر از ولی محترم دانش‌آموز، نکات مورد اشاره عمدتاً مورد قبول است. و برخی از موارد ذکر شده در نامه ایشان را تصمیم داشته‌ایم از سال ششم خود رعایت کنیم. اما براساس بندهای نامه متذکر می‌شویم که: ۱- به علت محدودیت امکانات و نیرو، جهت به تعطیل نیفتادن اصل مجله از ارائه کارهای گرافیکی خودداری می‌شود. در مورد عکس افراد، شخصیت‌ها و مکانها، سعی می‌شود اگر عکس گویا و بخصوص به صورت سیاه و سفید واضح باشد از این پس

استفاده کنیم. ۲- اینکه در طول پنجسال گذشته به موقع فصلنامه منتشر شده است خدای را سپاسگزاریم. چاپ ماهنامه برایمان مقدور نیست، اگر دقت کنید مراکز بزرگ علمی فصلنامه‌هایشان ۶ ماهه و باز با تأخیر چند ماه منتشر می‌گردد. در مورد چاپ آگهی هم، هر چند آگهی‌های فرهنگی متناسب با مجله وجود دارد، مخالف این امر نیستیم. ۳- همین حالا که شهره عام و خاص نیستیم، تحت فشار شدید افزایش پذیرش و گسترش مراکز هستیم، هر وقت توانستیم - برخلاف خیلی از دستگاهها - براساس نیاز کل جامعه پاسخگو باشیم انشاءالله در اینمورد هم فکر خواهیم کرد. ۴- درحد مقدمات مجله، عزیزانمان را از مدیر، مدرس، فارغ‌التحصیل و دیگر چهره‌ها معرفی کرده‌ایم. ۵- کاملاً با شما موافقیم، تلاشمان بیش از این ره به جایی نبرده است.

به هر جانب که باشد جانب اوست

به نام آنکه روی دشمن و دوست

سلام علیکم

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت دکتر اژه‌ای

چندی پیش از طرف مرکز نامه‌ای به دست شما رسید به تاریخ: ۷۵/۱۰/۱۸ که در آن گله‌هایی شده بود و ما تصمیم گرفته‌ایم که در بعضی نقاط آن نامه، سؤالاتی از شما و نویسنده آن نامه بکنیم. اگرچه سمنان کویری و خشک است اما این نشان بر محروم بودن این شهر نیست و شهر سمنان بعد از انقلاب رشد زیادی کرده است.

خانم الف.ی! برای مدرسه‌ای تازه تأسیس مثل فرزنانگان سمنان همین قدر امکانات کافی است و شما با این حرفها و سخنان نه تنها استعداد ما بلکه تواناییها و آبروی ما را زیر سؤال بردید. ما به شما حق می‌دهیم که چرا معلم مرد در مرکز فرزنانگان سمنان نیست ولیکن از معلمان زن هیچ اعتراضی نداریم و واقعاً از معلمهای زن راضی هستیم زیرا اگر معلم زن برای ما انتخاب شده صرفاً به خاطر راحتی خود ما بوده و نیز محدودیت‌هایی در این کار وجود داشته است.

اینکه شما می‌گویید وقتی در این مرکز دانش آموزان در مسابقات علمی رتبه می‌آورند خودشان را می‌گیرند باید بگوییم که ما خانم های بسیاری در مرکز داریم که علاوه بر اینکه از نظر درس افتخار آفرینند هیچ‌گاه نیز خود را نمی‌گیرند و با هم مهربانند و آیا بالاتر از خانم کسی در این مرکز است؟

همچنین ما هنوز در کلاس اول و دوم هستیم و استعدادهای ما آشکار نشده و در المپیادها شرکت

نکرده‌ایم شاید وقتی که در المپیادها شرکت کردیم با توکل به خداوند متعال ۱۸ مدال و یا بیشتر به دست آوریم. تاکنون فقط در یک المپیاد شرکت کردیم و در این المپیاد هم سربلند بیرون آمدیم. دیگر اینکه خانم الف.ی نوشته‌اند چرا معلمان ما دوره ندیده‌اند ما معلمان بسیاری داریم که دوره دیده‌اند و آن هم در تهران.

به نظر ما این خانم دیدگاه غلطی دارند و فقط شخصیت خود را پایین آورده‌اند.

با تشکر فراوان، تمامی دانش‌آموزان کلاس اول راهنمای (ب)

مرکز فرزنانگان سمنان ۷۶/۱/۱۷

استعدادهای درخشان: بخاطر رعایت عدالت، نامه این دانش‌آموز را که به نمایندگی از سوی کلاس خود نوشته است را منعکس نمودیم. علاوه بر این نامه، چند نامه موافق و مخالف دیگر نیز دریافت داشته‌ایم که ضرورتی به انعکاس آنها دیده نشد. پاسخ ما نیز همان مواردی است که در نهایت نامه قبل ارائه نمودیم.

به نام خداوند جان آفرین

دست‌اندرکاران محترم مجله استعداد‌های درخشان

با عرض سلام و خسته نباشید و آرزوی سالهای موفقیت آمیز برای شما و همه ملت ایران. مهمترین نکته‌ای را که می‌خواستم عرض کنم در مورد ارتباط با سازمان است. من یا بهتر بگویم ما نزدیک به ۹ ماه است که جذب یکی از مراکز استعداد‌های درخشان شده‌ایم؛ یعنی عضو سمپاد؛ یعنی عضو یک سازمان ملی؛ یعنی عضو سازمانی که اگر دائماً با همه افراد ملت در تماس و تبادل نظر نیست، دست کم باید با اعضایش رابطه‌ای مستقیم و بدون واسطه داشت، حال آنکه این رابطه مستقیم برای من و رفقایم میسر نشده! چرا؟ دلیل آن واضح است؛ هنوز که هنوز است شماره تلفن یا آدرسی از خود سازمان... در اختیار ما نیست؛ چرا که نه در مجله شما و نه در مدرسه ما علناً اعلام نشده است. البته می‌دانم که نشانی یا شماره تلفن سمپاد در اختیار هر مرکزی و در اختیار مسئولان هر مرکزی هست با این حال شاید کسی بخواهد طوری با سمپاد تماس بگیرد که دیگران نفهمند... پس چه بهتر که شما که اینقدر زحمت می‌کشید تا ارتباطی میان اعضای سازمان و سمپاد برقرار کنید، نشانی و شماره تلفن سمپاد را در هر شماره یا دست کم در چند شماره اعلام نمایید.

مطلب بعدی در مورد ضمیمه این مجله می‌باشد؛ روایت. با تأسف باید بگویم که این به اصطلاح مجله یا دفتر یا هر چیز دیگر تقریباً هیچگونه بازدهی برای من نداشته و ندارد؛ نه تنها برای من بلکه برای هیچیک از دوستانم، چرا که نه مطلب علمی دارد، نه مقاله درست و حسابی ادبی یا تاریخی یا ... فقط گاهی داستان زیبایی دارد که آنهم در مقایسه با کل هیچ است. حال اگر تمام مطالبش را اعضای سازمان می‌فرستادند و شما می‌خواستید که آثار ایشان را در چنین مجله‌ای بازتاب دهید، حرفی! ولی نه تنها اینگونه نیست بلکه هدف مشخص دیگری هم ندارد مطالبش به قول معروف «از جون آدمی زاد تا شیر مرغ» است. مثلاً اشعار اعضای سازمان را در کنار شعرایی چون سهراب سپهری و حزین لاهیجی و دیگران در یک صفحه می‌نویسد و این اصلاً تناسبی ندارد. اگر مقصود مقایسه و نقد است خوب باید حرفی زده شود و دست کم مقایسه‌ای انجام گیرد وگرنه خوبتر آن است که شعر هر قشری را در صفحه‌ای بخصوص جای داد. می‌دانیم اشعار این شعرا مانند مرواریدی قدیمی و گرانبهاست که نباید در کنار اشعار خام و ناپخته‌ای قرار گیرد که مانند دانه‌های شنی هستند و می‌روند بلکه روزی مروارید شوند و این نه تنها زیبا نیست بلکه ترکیبی ناخوشایند را نیز بوجود می‌آورد. باقی مطالب نیز به همین ترتیب ...

حال پیشنهادی می‌دهم؛ آیا بهتر نیست که هر بار یکی از تحقیقات برگزیده یا چکیده‌ای از چند تحقیق دانش‌آموزان و اعضای سازمان، ضمیمه مجله گردد تا هم بازدهی داشته باشد و هم تشویق برای محققان تلقی گردد و دیگران نیز با کار و تلاش دیگر همسالان خود در سایر نقاط کشور آشنا شوند و کار این محققان جوان را پرارزش و مفید نمایید و از حالت تکلیفی که تنها دبیر مربوطه و یکی دو نفر از مسئولین مدرسه و مجله آنرا مطالعه می‌کنند، بیرون آورده و مورد استفاده‌ی عدّه زیادی قرار بدهید. البته هدف من آن نیست که روایت را منتشر نکنید بلکه می‌گویم جای دوری نمی‌رود اگر چنین کنید و انتشار تحقیق دانش‌آموزان بسیار پرسودتر نیز می‌شود و روایت را هم، هم از نظر کیفیت بهتر نمایید و هم مطالب آنرا از ما - هدفم از ما، دانش‌آموزان مراکز سمپاد است - بخواهید. مقالات ادبی، علمی، تاریخی و ... انتشار دهید، تفسیر سیاسی کنید، نقد ادبی و سینمایی نمایید، اخبار روز را منتشر کنید و ... و همه این مطالب را از ما بخواهید، از همه ما اعضای سمپاد ...

مطلب بعدی یعنی آخرین مطلب در مورد اردو می‌باشد. ما دانش‌آموزان مرکز سمپاد بروجرد از ابتدای سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ تا کنون که ۶ هفته به پایان سال تحصیلی باقی داریم و تقریباً یک ماه دیگر ماه محرم آغاز می‌شود، هنوز به هیچ اردویی نرفته‌ایم چه درون شهری، چه برون شهری و

چه برون استانی کما اینکه در دهه مبارکه فجر و سایر اعیاد مذهبی و باستانی هیچ گونه جشن یا مسابقه‌ای برگزار نکرده‌ایم. می‌خواهم بدانم که در مورد اردو قصور از مدرسه است یا از سازمان، ماکه هر وقت از مسئولین می‌پرسیم، می‌گویند از سازمان در تهران به ما مجوز نمی‌دهند.

سخن کوتاه کن وا... اعلم

امضاء: یکی از دانش‌آموزان پسر
مرکز سمپاد در بروجرد ۷۶/۱/۲۵

استعدادهای درخشان: اگر قصد ارتباط و انتقال نظرات است، مگر آدرس صندوق پستی سمپاد که نامه شما از این طریق بدست ما رسید کافی نیست. اگر بر روی پاکت گیرنده نامه را بنویسید، نامه را تحویل او می‌دهیم اما اگر انتظار دارید آدرس ۲۷۰۰۰ دانش‌آموز، چند هزار دیر و ... را به شما اعلام کنیم، اندکی!! انتظار بالایی دارید چون خودمان هم چنین اطلاعاتی را نداریم.

□ «روایت» علاقه‌مندان مخصوص خود را دارد شما هم جزو نه علاقه‌مندانش. ولی ما نیز معتقدیم اگر دانش‌آموزان مراکز مطالب غنی و ارزشمندی را ارائه نمایند، «روایت» به اهدافش نزدیک خواهد شد.

□ مطلب قابل چاپ - نه صرفاً آنچه مورد تأیید نویسنده است - اگر بدست ما برسد، به هر بهانه در مجموعه‌ای نسبت به چاپ آن اقدام خواهیم کرد.

□ در مورد اردو، هرگاه مرکز آموزشی براساس ضوابط معمول درخواست نماید، مخالفتی از سوی سازمان نمی‌شود.

به نام حق

با عرض سلام خدمت عزیز از دست رفته‌ام، مجله: اینجانب ف.ت از فرزانتان با شما مکاتبه می‌کنم. نمی‌دانم چرا، ولی احساس می‌کنم دیگر سمپاد را دوست ندارم، مجله را دوست ندارم و از دست داده‌امشان. مجله‌ای که روزی تا حد ... دوستش داشتم. اما چند تا سؤال دارم:

ما باید تا کی حرف‌های تئوری شما را به اجرا درآوریم و باز نتیجه‌ای نینیم؟

الف- تا کی درس بخوانیم ولی در قید ۲۰ و ۱۹ نباشیم و به ۱۸ بسنده کنیم و باز هی تو سری

بخوریم؟ مثلاً خود من تا به حال در کارسوقهای ریاضی مرکز رتبه آورده‌ام. در امتحانات ریاضی همیشه بالاتر از ۱۹ بوده‌ام، در فوق برنامه‌های ریاضی شرکت داشته‌ام، ولی چون در درسهای حفظی و به خصوص در امتحانات ماهانه جزو ۲۰ نفر آخر پایه بوده‌ام، توسط مدیر مدرسه، معلم‌هایم مورد مؤاخذه قرار گرفته‌ام. توسط اولیاء در خانه تحریم شده‌ام و بدتر از همه مورد سرکوفت دبیر عزیزم سرکار خانم، دبیر محترم ریاضی، قرار گرفته‌ام.

آخر تاکی به خاطر نمره درس بخوانم. هر چه تلاشم را روی المپیاد ریاضی متمرکز می‌کنم بیشتر اذیتم می‌کنند. آخر مگر نمی‌گویید نمره ملاک نیست، مگر نمی‌گویید شیطنت جزء خصوصیات بچه‌های مرکز است، مگر نمی‌گویید حداقل نمره را بیاورید تا از مرکز اخراج نشوید و بعد روی دروس مورد علاقه‌تان متمرکز شوید، پس چرا؟ چرا؟ چرا عمل نمی‌کنید؟ یا نمی‌کنند!!!

ب- مگر نمی‌گویید که بین مراکز دخترانه و پسرانه تفاوتی قائل نمی‌شوید؟ پس چرا تا این حد با آنها خوب کار می‌شود، دبیران با تجربه دارند؟ ولی ما ... فقط بیائید و ببینید ...!

ببینید من دروغ نمی‌گویم‌ها. دبیرمان ما را وادار می‌کند به صورت جفت پا از ۵ پله بالا بپریم. من که بهترین پرش را در پایه دارم و ۲/۳۰ متر می‌پریم، بیش از ۵ تا برایم غیر ممکن است و بچه‌های بیچاره دیگر تا به حال چندین بار از پله‌ها افتاده‌اند و شانس آورده‌اند فقط از شکستگی دندان و خونریزی از بینی بیشتر را تجربه نکرده‌اند و در مقابل این اتفاقات دبیر ورزش به کلمه «بی‌عرضه» بسنده می‌کند. از طرف دیگر مدیر ما حق را به این دبیر که بیش از ۷ بار در طول ثلث اول سرکلاس حاضر نشده می‌دهد.

در مورد گذراندن یک سال به صورت جهشی در طول تحصیل در خود سازمان چه نظری دارید؟ در صورت ممکنه اگر جواب «نه» بود دلیل هم بیاورید.

خدا حافظ شما عزیزان

با تشکر ف.ت

استعدادهای درخشان : سرکوفت !! زدن بخشنامه سازمان نیست، شما از یکسو از موفقیت‌هایتان در کارسوقها صحبت می‌کنید و از سوی دیگر، هر چه خواسته‌اید نسبت به همکاران آموزشی مرکز توهین کرده‌اید. در مراکز ما چه پسرانه و چه دخترانه همکاران آموزشی یکسان نیستند. اگر خلاف قاعده، دبیری از شما انتظاری داشت، شما که یک نفر نیستید، به خلاف قاعده بودن انتظار، اعتراض

کنید. اگر دبیری حضور منظمی نداشت، پس از سوال از مدیریت که می‌تواند توسط ولی شما هم باشد، خیلی مؤدبانه برای ما بنویسید تا ما از مدیر مرکز توضیح بخواهیم و بعد در صورت قانع نبودن دلایل، پیگیری کنیم.

«جهشی» امتحان دادن دستورالعملی دارد که وقتی دانش‌آموزی اعلام آمادگی نماید از طرف مدرسه شرایط آن به وی اعلام می‌شود ولی ما به شما پیشنهاد می‌کنیم شما و دیگران از آن استفاده نکنید.

بسمه تعالی

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت آقای اژه‌ای مسئول محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

اگر مزاحم اوقات شریف شما نبوده باشم، می‌خواهم چند کلمه‌ای که دیرزمانی است در دلم عقده‌ها بسته خدمتتان عرض نمایم و امیدوارم حضرت تعالی با سعه صدر، کلام این حقیر فقیر را بشنوید و بر من منت نهید.

حقیقت این است که اینجانب با برخوردی که با استعداد‌های خوب این دیار چه در دبیرستان و چه در دانشگاه داشته‌ام به حقایقی دست یافته‌ام که برایم رنج‌آور بود ولی جز با چاه دل خویش سخن نتوانستم بگویم. ولی این اواخر با دیدن سرمقاله حضرت تعالی در مجله سازمان، یک جمله‌ای یافته‌ام که اشارتی به یافته‌ها و اندیشه‌های درونی من داشت و آنرا مطابق ذوق خویش یافته‌ام و از آنجا بود که طمع کردم شاید شما بتوانید چند کلمه راز دل این حقیر را بشنوید. آن جمله را دقیقاً به خاطر ندارم ولی با تطبیق معنی سخن از پرورش استعداد‌های خوب ایرانی و متأسفانه آب به آسیاب دشمن ریختن، گفته بودید. کلام اینجانب نیز در همین رابطه ولی با توسعه بیشتر و پیشنهادهای برای رفع این مشکل می‌باشد. اول از خود درد شروع کنیم تا ریشه‌های درد را بهتر بشناسیم.

درد اصلی آن است که آموزش و پرورش و آموزش عالی، طوری گام برمی‌دارد که ابزار و آلات تمدن جدید را همان کارخانه‌های همانند در کشورهای غربی (دانشگاه‌های غربی) پرورش می‌دهد. درحقیقت، بردگان شرقی و دنباله روان نادان تمدن غرب، دقیقاً طبق استانداردها و موازین غربی‌های گذشته از دین، فرزندان این مرز و بوم را پرورش می‌دهیم و این معضل اصلی آموزش و پرورش ماست. دانش آموز غربی دقیقاً طبق همان موازین درس می‌خواند که دانش آموز ایرانی. فقط

تفاوت دانش آموز ایرانی این است که در کنار "درس‌های اصلی" خود تعدادی "درس‌های فرعی" می‌خواند که نشان‌دهنده آن است که در یک کشور اسلامی زندگی می‌کند و بس، ولی در عمل آیا چقدر در آینده شخص تأثیر خواهد گذاشت؟ ...

این مشکل کلی آموزش و پرورش است ولی در سازمان پرورش ... مشکل به شکل حادثی بروز می‌کند! دانش آموز خوش استعداد پا به دوره راهنمایی سازمان می‌گذارد. در کنار درس‌های ریاضی و علوم تجربی دبیرستان‌های معمولی جزوه‌های تکمیلی می‌یابد که کار عمقی نمودن مفاهیم دو درسش را انجام می‌دهند. از آن اول فرامی‌گیرد که دروس ریاضی و علوم تجربی دارای "ارزش" بیشتری نسبت به دیگر دروس هستند و گرنه برای آنها جزوه‌های تکمیلی گذاشته نمی‌شد! شما هم بهتر از بنده می‌دانید که ریاضی و علوم تجربی دارای هیچ بار معنایی ظاهری به نفع جبهه حق یا باطل نیستند ولی بیشتر که به مسأله بنگریم، دقیقاً فرآیند رنسانس اروپا در وجود دانش آموز تجلی می‌کند. یعنی همان رویکرد دین به علم در اندرون دانش آموزی روی می‌نماید. دانش آموز با آمدن دوره راهنمایی و فضای علمی دبیرستان - راهنمایی استعداد‌های درخشان، دنیایی دیگر در پیش رو می‌بیند که با دانسته‌های قبلیش توفیر دارد. او از این پس باید به ریاضیات و علوم تجربی - که پایه‌های فکری آنها همان اومانیسم و انسان‌مداری اوج گرفته در رنسانس اروپاست - بهای بسیار بیشتری بدهد تا در دروس درنماند و در این محیط رشد می‌نماید و بالنده می‌شود. محیطی که امتحانات، مسابقات سراسری، المپیادهای شهری و کشوری و ... تماماً هدفشان این است که دانش آموز را به درس خواندن بیشتر و توجه به سوی علوم تجربی و ریاضی تشویق، ترغیب و ترعیب کنند. دانش آموز با این ویژگی‌ها بالا می‌آید، به دبیرستان می‌رسد و آن رویکرد قوی به سوی دروس تجربی و مادی، به نحو شدیدتری ظهور می‌کند تا دبیرستان را تمام می‌کند. به دانشگاه وارد می‌شود - مخصوصاً دانشگاه‌های صنعتی مثل شریف، فنی تهران، امیرکبیر و ... و در اینجا که دیگر از علوم انسانی خبری نیست - البته نگوئید که دروس عمومی نظیر معارف اسلامی و ... هست خودتان بی‌آید و بنگرید که چه بسیار ضعیف و خفیف تأثیرند - کارشناسی می‌گیرد و اگر امکانات مالی خوب یا استعداد عالی داشته باشد به دانشگاه‌های خارجی راه می‌یابد و یا در همین جا ادامه تحصیل می‌دهد و باز هم اینبار اصلاً خبری از دروس انسانی نیست. حال ما توقع داریم دل این دانش آموز به حال کشور و دین خود بسوزد چیزی که ما اصلاً به او نیاموخته‌ایم و اگر تک تک و استثناء‌اتی یافت می‌شوند که دلسوزند، متأثر از تربیت خانوادگی آنهاست نه تربیت کلاسیک درس آنها. ما دقیقاً طبق استانداردهای غربی انسان می‌سازیم و

بهترینشان را تقدیم دستگاہ تمدن غرب می‌نمائیم. انسان‌هایی آچارمانند و کار راه‌انداز تمدن ماشینی غربی. نه اندیشه‌ای از خود و نه ابتکاری از خویش. تنها قله متعالی زندگی این دانش‌آموزان اینشتین شدن و عالم‌کل شدن است و هر جا که این علم بیشتر باشد آنجا جایگاه اوست و این اندیشه‌ای است که سالیان سال ما در مغز او فرو کرده‌ایم و کم‌کم این زهر کشنده را در جان او تزریق نموده‌ایم. هر چه ما در مسابقات جهانی و المپیادهای علمی موفق‌تر باشیم غرب خوشحال‌تر است چون می‌داند که بهترین میوه‌های این باغ حاصلخیز دیر یا زود نصیب خود اوست و هر چه ما تلاش علمی و آموزشی بیشتری بکنیم، کار دانشگاه‌های غرب را راحت‌تر کرده‌ایم و زودتر درخت ما برای آنها بار می‌دهد. عجب! ما بدست خود بهترین‌ها را گلچین می‌کنیم و تقدیم دشمن یا بیگانه می‌نمائیم! و این به واسطه نظام آموزش غلط ماست. آری چرا باید دبیرستان و راهنمایی استعداد‌های درخشان، جزوۀ تکمیلی زبان انگلیسی، ریاضی و علوم تجربی داشته باشد، ولی برای ادبیات، دینی آنها فکری نکرده باشد. مگر ابن سیناها، ابوریحان‌های ما و ... که عالمان بزرگ علوم تجربی زمان خودشان بودند، از علوم انسانی بی‌بهره بودند؟! درد را شناختیم (البته ناقص که جای بحث بسیاری دارد) ریشه‌های درد را شناختیم. حال راه درمان چیست؟ فعلاً بماند تا هر دو اندیشه کنیم. البته بنده راه‌حل‌های بسیاری در ذهن دارم که اگر حضرت‌تعالی راغب بودید در نامه بعدی خدمتتان عرض می‌نمایم. از اطالۀ کلام عذر می‌خواهم و منتظر پاسخ شما هستم.

عبد خرد خدا سید محمدرضا ناجیان

استعداد‌های درخشان: حرف دلسوخته‌ای را منعکس کردیم، آنچه می‌ماند ما، مدیران و همکاران آموزشی دلسوخته‌ای هستند که در کنار این آموزش رسمی باید ما را مدد رسان باشند که فرزندان ایران، ریشه در این خاک داشته باشند. هر چند جزوه دینی اضافی هم داریم، هر چند بهترین مسابقه‌ای که سازمان به صورت منطقه‌ای و سراسری برگزار می‌کند، مسابقات قرآن است ولی این‌ها گام‌های نخستین است، ما اگر به آوردگاه‌های علمی نرویم، مشکل حل نمی‌شود، صدها نفر داریم که در مسابقات و المپیادها به انتهای راه نمی‌رسند ولی شاخص هستند، مشخص کردن یا نکردن نیروها دلهره‌زا نیست، مگر آنها که قبلاً رفته‌اند در المپیادها نشان‌شان کرده بودند؟!

به نام خدا

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

سلام علیکم

اکنون ۴ سال است که در مدرسه فرزنانگان تحصیل می‌کنم. من به مدرسه فرزنانگان آمده‌ام تا علایق و استعداد‌هایم را پرورش دهم نه اینکه مانند تقریباً همه بچه‌ها مطالب کتابها را حفظ کرده تحویل معلم بدهم. برآستی هدف سازمان فقط این است که ما علاوه بر کتابها جزواتی اضافه تر بخوانیم و بعد در امتحان آن مطالب را تحویل بدهیم؟ این کاری است که از عهده دانش آموزی که در مدارس عادی تحصیل می‌کند برمی‌آید و اگر هدف واقعاً رشد استعدادهاست چرا این هدف واقعی جای خود را به اهداف ظاهری داده است؟ چرا فقط در مدرسه صحبت از معدل و نمره و کنکور است؟ چرا ملاک سنجش هوش، نمره بالاست؟ من خود از بچه‌هایی هستم که علاقه‌ای به خواندن دروس اجباری ندارم و سعی می‌کنم مطالب را به طور وسیع‌تری یاد بگیرم نه اینکه آنچه در کتاب آمده را حفظ کنم این کتابها همانهایی است که بچه‌ها در مدارس عادی می‌خوانند پس با این حساب نباید فرقی بین مرکز ما و سایر مدارس گذاشت ولی اگر واقعاً مرکز هدفش پرورش بچه‌هاست چرا تا سؤالی اضافه بر مطالب کتاب و جزوه از معلمی می‌پرسیم با جملات «وقت کلاس را نگیرید»، «باشد برای بعد» و از این قبیل مواجه می‌شویم؟ بعد از مدتی رویارویی با این مسائل تصمیم گرفتم که خود در کتابخانه و در ما بین کتابها به جستجوی جواب سؤالات خویش بپردازم ولی بارها شده که در فهم قسمتی از جواب دچار مشکل شده‌ام یا جواب در کتابها نبوده است به فکر افتادم که از معلمها کمک بگیرم. عده‌ای که جواب سربالا به من می‌دهند و عده‌ای دیگر تا می‌فهمند کلاس اولی هستم ادامه صحبت را رها کرده و جواب را ناتمام می‌گذارند بعضی دیگر از این حد هم گذشته خیال می‌کنند برای دست انداختن آنها چنین سؤالاتی را مطرح می‌سازم. معلمها می‌گویند «ما نباید ناقل اطلاعات باشیم خودتان باید به جستجوی جوابتان بروید» ولی وقتی با استفاده از امکانات موجود جوابی نیافته‌ایم چه باید بکنیم؟ آیا برآستی این روش صحیح پرورش استعداد‌های درخشان است؟ یعنی برای اینکه یک دانش آموز رشد یافته به حساب آیم باید تمامی کتابها را حفظ کنیم و فقط آنها را تحویل دهیم و هیچ‌گونه سؤالی هم نپرسیم؟ درست است درس خواندن مهم است ولی چرا معلمین عین مطالب را از ما می‌خواهند؟ خود من در بسیاری از امتحانات به خاطر اینکه چند کلمه را عین کتاب نوشته‌ام یا از اطلاعات و یافته‌های خود استفاده کردم و با اینکه جواب درست بوده از من نمره کم شده است. مسأله اینجا نمره نیست

چون برای من نمره ۱۹ و ۲۰ فرق چندانی ندارد منظور بازخواست کلیه مطالب کتاب با همان جمله‌بندی است حتی معلمهایی که می‌گویند ما عین مطالب را نمی‌خواهیم در تصحیح برگه‌ها مثل سایرین عمل می‌کنند و تا حرفی در مورد علت آن می‌زنیم می‌گویند برای کنکور باید مطالب را حفظ کنید درست است کنکور مسأله‌ای است مهم ولی آیا باید هدف ما فقط قبولی در کنکور و گرفتن بالاترین نمره باشد؟ خب اگر ما تمام نمراتمان بیست شد نفر اول کنکور هم شدیم بعد چه می‌شود؟ بالاخره نفر اول و آخر قبولشدگان کنکور به دانشگاه می‌روند و ممکن است پشت یک میز درس بخوانند و یک شغل را انتخاب کنند و هر دو موفق شوند.

مسأله دیگر این است که چرا ما باید هر چه معلم گفت بپذیریم معلم که عقل کل نیست اگر در سر کلاسی نظر خود را بیان داریم یا مطلبی را از کتابی نقل کنیم عاقبتی ندارد جز کم شدن نمره انضباط به خاطر بحث با معلم.

من فکر نمی‌کنم با این روش هرگز ایران در رده کشورهای پیشرفته جهان قرار بگیرد تا وقتی که ملاک نمره باشد و حفظ مطالب، فقط نمرات اول کنکور زیاد شده دانشگاهها پر می‌شوند و در آخر دکتراها و مهندسها زیاد می‌شوند ولی مطمئناً تلاشی در پیشرفت کشور صورت نخواهد گرفت. جناب دکتر ازهای از شما خواهش‌مندم اگر مطالبی را که این حقیر عنوان نمودم درست است با تذکر به سایر مسئولین این لطف را در حق ما مبذول داشته و سعی در برطرف نمودن عیوب این سازمان کنید تا بتوانیم برای کشور عزیزمان سرمایه‌های مفیدی باشیم.

به امید آن روز

ر.م - فرزنانگان یزد

استعدادهای درخشان : تردیدی نیست حجم امور مورد سؤال برای دانش‌آموزان عزیز بیشتر از وقتی است که در اختیار مریبان است و همان طور که شما اشاره کرده‌اید تفاوت اساسی در روند تحصیل یک دانش‌آموز نمره ۱۹ یا ۲۰ ندارد. تلاش همکاران ما نیز بایستی بر این باشد که اگر پرسشی را مطلع نیستند با ارجاع دانش‌آموز به منابع موثق، بخصوص منابعی که در کتابخانه مدرسه موجود است، او را از سرگردانی برهانند. خوشبختانه کتابخانه مراکز سمپاد در شهر شما غنی هستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام خدمت شما سروران گرامی. دست اندرکارانی که تلاش می‌کنید گوهرهای گرانبه‌ای این کشور اسلامی را خالصانه از اقیانوس بیکران و پنهانور نسل جوان کشور بیابید و آینده‌سازان مفیدی را از آنان به جامعه ایران اسلامی تقدیم کنید و میهن اسلامی را از وجودشان سرفراز سازید امیدوارم در کلیه مراحل خدمت اجتماعی تان سرفراز و مؤید باشید.

اینجانب یکی از دانش‌آموزان مدارس نمونه مردمی هشتم البته خواهر بنده در یکی از مراکز شما مشغول به تحصیل است می‌خواستم شما قضاوت کنید و بگویید که آیا این درست است که بنده با اینکه در دوره دبستان هر ساله با معدل بالاتر از ایشان قبول شده‌ام فقط برای اینکه برای شرکت در امتحان ورودی به کلاس نرفته بودم و همچنین خانواده بنده نیز اطلاع چندانی از چگونگی این امتحان نداشتند در این امتحان قبول نشدم اما ایشان قبول شوند و حالا هم جزو شاگردان ضعیف کلاس باشند؟ آیا شما می‌خواهید یک چنین استعدادهایی را شکوفا کنید؟! دیگر اینکه چرا سازمان اجازه می‌دهد تا بعضی از مدارس غیر انتفاعی (غیرانتفاعی) کتب تکمیلی این سازمان را تدریس کنند و به این ترتیب از ارزش و اهمیت سایر مدارس بکاهند و دانش‌آموزان بیشتری را هر ساله به سمت خود جذب کنند. لطفاً علاوه بر پاسخ در مجله پاسخی کامل و قانع‌کننده برای بنده ارسال فرمایید.

با تشکر و سپاس فراوان

ع - ک از اصفهان

استعدادهای درخشان: اینکه شما در کنکور سازمان قبول نشده‌اید دلیلی بر کمی هوش شما نیست مشروط به اینکه کمی در ادبیات کار کنید. ۱- اما تدریس جزوه‌های سازمان در مدارس غیرانتفاعی از نظر ما اشکالی ندارد. تعداد زیادی از این مدارس در آغاز کار، مبادرت به تهیه جزوات سازمان کرده‌اند و چون مشکل تدریس و فهم آنرا داشته‌اند، آرام آرام به همان کتب درسی قناعت نموده‌اند. و نکته آخر اینکه نمره بالای پیشرفت تحصیلی در مدارس عادی ملاک قطعی بر توانمندتر بودن دانش‌آموز نیست.

به نام خداوند بخشنده و مهربان

جناب آقای دکتر آزه‌ای

سرپرست سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

با عرض سلام و آرزوی توفیق و سلامتی برای حضرت‌تعالی

از اولین نامه‌ای که برای «سمپاد» نوشتم پنج سالی می‌گذرد، آن روز هرگز به ذهنم نمی‌رسید که در روز چهارده اردیبهشت، روز «استعداد‌های درخشان»، پنج سال بعد و هنگام افتتاح ساختمان «شهید بهشتی» ممکن است به عنوان نماینده تمامی فارغ‌التحصیلان سازمان به چنین مرتبه‌ای از عنایت حضرت‌تعالی مفتخر شوم. این قلم از شرح و بیان آن قاصر است تا چه رسد به سپاس‌گویی؛ نیرویی به عظمت جمع فارغ‌التحصیلان سازمان را در این راه می‌توان دید که تنها با اتکاء به آن می‌توان در زیر بار سنگین اعتماد و توجه حضرت‌تعالی به سوی اهداف متعالی و ارزشمند این نظام مقدس گام برداشت. احیاء تمدن اسلامی در پهن دشت ایران عزیزمان، دغدغه ملتی بزرگ و پر افتخار است که هم‌دل و متحد تصمیم دارد مستقل و آزاد بماند. از یاد نخواهیم برد که ما میراث‌خوار خون هزاران شهید این نهضتیم؛ از یاد نخواهیم برد که «بهشت را به بها دهند و نه به بهانه»؛ دست در دست هم و در زیر پرچم انقلاب اسلامی، نغمه‌های شوم و عربده‌های سخیف استکبار را وقتی نخواهیم نهاد و تا رسیدن به سر منزل مقصود آرام نخواهیم نشست. ان‌شاء... پژوهشگاه شهید بهشتی زمینه‌ساز نهضتی بزرگ است که تعالی، آبادانی و عظمت را برای میهن اسلامی مان به ارمغان خواهد آورد.

با احترام بابک فرزاد

فارغ‌التحصیل مرکز شهید اژه‌ای - اصفهان

* * * * *

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد، برخی سؤالات طرح شده از سوی شما را که جنبه عام داشته است، در بخش «پرسش‌های شما» پاسخ گفته‌ایم و چنانچه پیگیری لازم داشته است، به مدیریت‌های ذیربط ارجاع شده است:

□ آبادان: مرکز فرزندگان، زهرا زرگری □ اراک: دانش‌آموز مرکز فرزندگان □ ارومیه: مرکز فرزندگان: ن - ت / جمعی از دانش‌آموزان مرکز / سمیه فلاحت □ استهبان فارس: اسماء کیانی‌نژاد □ اصفهان: مرکز فرزندگان امین، جمعی از دانش‌آموزان □ بجنورد: مرکز شهید بهشتی، مصطفی دانایی □ بروجرد: دانش‌آموز مرکز شهید بهشتی □ بناب: سولماز آقامحمدپور □ بیرجند: مهدی هوشیار، غلامرضا خزاعی □ تبریز: مرکز شهید مدنی، حامد مخلوقی، پوریا صادقیان، فرهود چام / مرکز فرزندگان: فریبا - ح □ تهران: دبیرستان فرزندگان، حدیث رحیم / جمعی از دانش‌آموزان مرکز راهنمایی و دبیرستان / دانش‌آموز دبیرستان علامه حلی / جمعی از دانش‌آموزان بسیجی سال سوم

دبیرستان علامه حلی / احمد مرشدیان / مهدیه خدایی / دکتر فرشاد پورملک □ جوانرود: رستگار رحمانی □ خرم‌آباد: دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ دزه‌شهر ایلام: فرحناز تیمورپور □ دزفول: مرکز فرزنانگان، رویا حسمتی / دانش‌آموز سال سوم دبیرستان / مژده فولاد مرکز شیخ انصاری: ایمان سوزنگر □ زاهدان: مرکز شهید بهشتی، دانش‌آموز مرکز □ زنجان: مرکز فرزنانگان، آذر شهرزاد، صهبا مبینی، رقیه حیدری □ سبزوار: مرکز شهید بهشتی □ م - ش مادر دانش‌آموز □ سمنان: دانش‌آموز مرکز شهید بهشتی / جمعی از همکاران مرکز فرزنانگان □ شاهرود: مرکز فرزنانگان: دانش‌آموز مرکز (دو نامه) / دانش‌آموز سال دوم دبیرستان □ شیراز: خلیلی □ قائمشهر: دانش‌آموز مرکز فرزنانگان / میرزایی □ قم: دانش‌آموز مرکز شهید قدوسی / مریم کیانی □ کرج: ولی دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ کرمان: دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ مشهد: دانش‌آموز دبیرستان شهید هاشمی نژاد / آسیه احصایی / شیرین شمالی □ نیشابور: دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان (دو نامه) □ همدان: دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ یزد: دانش‌آموز مرکز فرزنانگان.

* * *

استعداد‌های درخشان یک منبع اساسی برای مربیان، والدین، روانشناسان و پژوهشگران در علوم تربیتی و فعالیتهای اجتماعی و مسئولین مراکز آموزش و پرورش تیزهوش و دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان مراکز سمپاد می‌باشد.

اهداف

الف - مبانی نظری و سیاست‌گذاریهای کلی مربوط به دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس نظام ارزشی اسلامی
ب - توسعه برنامه‌های تربیتی و آموزشی ویژه و طرحهای ضروری لازم
ج - معرفی منابع مادی و امکانات کمک آموزشی ویژه
د - تقویت و بهسازی دیدگاههای عمومی نسبت به استعداد‌های درخشان
و - مطالعات و پژوهش‌های روانشناختی تیزهوش (در ابعاد نیازها، استعدادها، الگوهای رفتاری، تشخیص و سنجش)

ز - انعکاس موفقیتها و پیشرفتهای اجتماعی استعداد‌های درخشان
ح - انعکاس سیاستها و فعالیتهای رسمی سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان به عموم افراد جامعه
ویژگی‌های مقالات ارسالی

- ۱ - مقالات نباید از ۲۰ صفحه دستنوشته و یا ۱۵ صفحه ماشین شده بیشتر باشد.
- ۲ - متن اصلی مقالات ترجمه شده و فهرست منابع مقالات تألیف شده (با مشخصات کامل کتابشناسی آنها) می‌بایست به پیوست مقاله به دفتر مجله ارسال شود.
- ۳ - چکیده مقالات تألیف شده (با حداکثر ۱۱۰ کلمه) ضروری است.
- ۴ - مقالات پژوهشی بایستی با توجه به موازین علمی تنظیم شده باشد.
- ۵ - ضروری است که نشانی کامل پستی (یا شماره تلفن) نویسنده یا مترجم در صفحه آخر مقاله نوشته شود.
- ۶ - برای مجله امکان عودت مقالات ارسالی، وجود ندارد.
- ۷ - فصلنامه در ویرایش محتویات مقاله‌های ارسالی، آزاد است.